

الگوهای فرزندپروری والدین و تأثیر آنها بر کودکان

دکتر فرخنده مفیدی | استاد دانشگاه علامه طباطبائی

عکس: لاله لاریجانی

آشوش

سؤالات بسیاری در ارتباط با شیوه‌های ارتباطی والدین و نحوه‌ی اثرگذاری آنها بر رفتارهای کودکان مطرح است. از جمله:

- چه چیز باعث می‌شود که وقتی کودکان با مشکلی روبرو می‌شوند، یک کودک نتواند معضلی آن را حل کند یا صلوات بازل را به هم پیوند دهد، گریه و ناراحتی را سر دهد و لنگ‌هایش سرزیر شود، در حالی که کودکی دیگر، به راحتی از عهدی این کار برمی‌آید و کودکی دیگر، ساعت‌ها می‌نشیند و یا آن گلنهار می‌رود تا تکلیف آن را مشخص کند؟

- چه چیز باعث می‌شود که کودکی مستقل باشد و دیگری وابسته؟

- یکی یا کوچک‌ترین بی‌روزی‌های منتهی، واکنشی خصمانه دارد، در حالی که دیگری خون سرد و بی‌تعلوت باقی می‌ماند؟

پاسخ به سؤال‌های فوق از دیدگاه‌های گوناگون، شاخص‌ها و عوامل مختلفی را مطرح می‌کند از دیدگاه روان‌شناسی، یک پاسخ به خلق و جوی ذاتی و از قبل شکل گرفته‌ی کودکان مرتبط است و پاسخ دیگر، نشان‌دهنده‌ی آثار محیطی و عاطفی اولیه‌ی الگوهای رفتاری است؛ یعنی، طریقی که کودکان به وسیله‌ی والدینشان پرورش داده و تربیت می‌شوند.

یکی از روان‌شناسان به نام «ایانا ایلمر یفند» به بررسی رابطه‌ی بین الگوهای مختلف فرزندپروری و کسب‌ناپستی و صلاحیت اجتماعی کودکان پرداخته است. او ضمن بررسی تحقیقات متنوع و مروری بر ادبیات پژوهش، مطالعات خود را در مورد نود و پنج خانواده که دارای کودکان سنین پیش از دبستان بود، آغاز کرد. در تحقیق خود، ترکیبی از مصاحبه‌های طولانی، آزمون‌های میزان شده، و مشاهدات در مدرسه و حلقه استفاده کرد. نتایج تحقیق وی حاکی از شناسایی سه نوع الگوی فرزندپروری است که آنها را با رفتارهای کودکان مرتبط کرده است. در این مقاله به شرح این الگوها خواهیم پرداخت.

کودکان والدین اهمال‌کار و سهل‌گیر چون مورد غفلت قرار می‌گیرند، احساس ناامنی می‌کنند و در سطوح اجتماعی و آموزشی نیز کم‌تر موفق می‌شوند و دارای مشکلات هیجانی و رفتاری هستند.



۱. والدین مقتدر (قاطع و مستحیده)

این والدین در عین حال که دلایل عقاید خود را برای کودکان بیان می‌کنند و آن‌ها را نیز به لیراز و بییل نظر نشان تشویق می‌کنند، در صورت لزوم، کنترل قاطع و محکمی نیز نشان می‌دهند. این والدین از اعتماد به نفس بالایی برخوردارند. در مورد توانایی هدایت و راهنمایی کودکان خود، بسیار اطمینان دارند و به علائق، عقاید و شخصیت منحصر به فرد آن‌ها نیز احترام می‌گذارند و تعلوت‌های فردی آن‌ها را مورد نظر قرار می‌دهند.

اساساً، والدین اختارگرایه فرزندان خود علاقه‌مندند و پلنگجوی نیازهای آنان هستند و «مهری و حسلیت فرایلی به نیازهای آنان نشان می‌دهند و از رفتار و پیشرفت کودک انتظار بالایی دارند که هم‌سو با بلوغ کودک رشد می‌کند. آنان در مجال اهداف و آرزوهای کودکان، حاشی بزرگی هستند.

رفتار این نوع از والدین ترکیبی از کنترل بسیار قاطع و مستحیده همراه با تشویق و محبت‌ورزی است. فرزندان نیز از انتظارات والدین خود آگاه هستند و می‌دانند که از آن‌ها انتظار می‌رود به مسئولیت‌های خود عمل کنند و وظایف خود را در کنار حقوق به انجام برسانند. این کودکان آگاهند که چه موقع باید انتظارات والدین را برآورده کنند و چه موقع با وجود ناراحتی والدین برای رسیدن به اهداف خود حطر کنند و به اصطلاح حطر پذیرند. بسیار متکی به خود مسلط به خود، مثبت‌نگر، کنجگلو، صادق و راجعی و منطقی هستند.

۳. والدین مستبید (فرزنده‌پروری)

سخن‌گیرانه

این والدین برای اطاعت بی‌چون و چرای فرزندان ارزش غفلانند و کودک‌کشی را به دلیل اطاعت نکردن و عدم استنادهای مطلق خود تنبیه می‌کنند. تنبیهات ممکن است به صورت مکرر و بی‌اندک و نیز با استفاده از روش‌های خشوت‌آمیز صورت گیرد و رغبت و مهریانی آنل در حد پایینی باشد در این نوع انگو، توجه به نیازهای کودکان کم‌تر درک می‌شود و به اصطلاح کودک‌کل کم‌تر به حساب می‌آیند. از کودکان انتظار می‌رود که از درجولست‌های والدین بدون هیچ گونه «شورشی تبعیت کنند. کودکان این نوع از والدین، به انعطالی بودن گرایش بیش‌تری دارند و ممکن است سرکش و پرخاشگر شوند. بی‌حیدی، سلطه‌جویی،

کنترل زیاد و کناره‌جویی، از دیگر خصوصیات این والدین است و کودکانشان نیز ناراحت، گونه‌گیر و بی‌اعتماد می‌شوند. این احتمال نیز وجود دارد که مشکلات اجتماعی پیدا کنند و در آموزش و تحصیلات موفقیت کم‌تری به دست آورند.

۳. والدین سهل‌گیر (همان‌کار)

این والدین تقاضای کمی از کودکانشان دارند، مقررات کمی را برقرار می‌کنند و به ندرت به تنبیه متوسل می‌شوند. کودکان آن‌ها ناچخته، خودمختار و خودسرها برای کم‌ترین اتکا به نفس هستند. در والدین همان‌کار، مهری و دلسوزی نسبت به کودکان و حسلیت به نیازهای آنل در سطح پایینی قرار دارد. به نظر می‌رسد که نسبت به دیدگاه، عقاید، پیشرفت و تحول کودکان خود بی‌تعلوت‌اند. در شدیدترین وضعیت، ممکن است پاسخ مناسبی برای نیازهای جسمانی و امنسی هم‌چون ناس غذای مناسب و کافی و مهری و نگرانی با پرورش هیجانی ندانسته باشند.

کودکان این والدین چو «مورد غفلت قرار می‌گیرند، احساس ناامنی می‌کنند و در سطوح اجتماعی و آموزشی نیز کم‌تر موفق‌اند و نیز مشکلات هیجانی و رفتاری دارند.

مطالعات و یافته‌های تحقیقی جانم یا مریند، سؤال‌های مهمی را درباره‌ی روش‌های تربیت فرزند پرورگیت است ولی قبل از نتیجه‌گیری کامل و بستن کردن روش‌های فرزند‌پروری به این سه انگو، باید به خاطر داشته باشیم که کودکان نیز ممکن است بر رفتار فرزندل اثر بگذارند. پیشنهاد می‌شود به عنوان پدر و مادر، مری و دست‌اندرکار، درباره‌ی سؤالات زیر تدبشه کنیم:

- آیا خلق و جوی نانی کودکان نیز بر والدین اثرگذار است؟
- آیا ممکن است یک کودک، نگرش مقتدرانه را از والدین خود گرفته باشد یا خشوت رفتاری او بر نحوه‌ی ارتباط والدین اثر بگذارد؟

- آیا کودک سخن‌گیری، ظلم و خشوت‌ورزی را از والدین کب می‌گیرد یا برعکس، رفتار پرخاشگرانه و هیجانات تند کودک است که والدین را به انگویی خاص هدایت می‌کند؟
- آیا انگوها می‌توانند ریشه‌ی فرهنگی داشته باشند؟
- آیا می‌شود انگوهای ارتباطی والدین را تغییر داد؟
- در کلاس‌های آموزش خانواده و والدین، درباره‌ی این موارد بحث کنید و چنان چه سؤالی به نظر تان رسید، با ما تماس بگیرید.

بی‌نوشت

1. Diane Baumrind
2. C. Kohl - a young child
3. Authoritative Parent